

The Role of Encyclopedias in Promoting Public Culture: A Historical Analysis

Ahmad Pakatchi*

Abstract

The entry of the Western world into the Age of Enlightenment required that the level of literacy in the various classes of society be raised, and that all members of society at large be made more mindful; this entailed continuous public education. General education, which is a structured term in the field of culture, is more reminiscent of school education, but this type of education always has limited periods and usually does not last after the person enters society; The Enlightenment, on the other hand, required continued education and awareness. Encyclopedia, as an institution across the school that could ensure this continuity in public education, was able to play such a role. What has actually happened in the Western arena during the Enlightenment is the establishment of the encyclopedia in its new sense and the serious function of this cultural issue as an institution for continuing public education, complementing school performance, and helping to raise awareness among different sections of society. In the present study, the main issue is the role of encyclopedias in continuing public education and their performance during the Enlightenment, especially among the leading nations of Europe, and in terms of methodology, this study is a history of thought, and uses the methods of this field.

Keywords: Enlightenment, General Education, Continuing Education, Education and training, Literature, Religious Reform

* Associate professor of the institute for humanities and cultural studies, a.pakatchi@ihcs.ac.ir

Date received: 2019.09.23 Date of acceptance: 2019.12.21

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article . This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons , PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقش دانشنامه‌ها در ارتقای فرهنگ عمومی: تحلیل تاریخی

دکتر احمد پاکتچی*

چکیده

ورود جهان غرب به عصر روشنگری، مستلزم آن بود که سطح سواد در طبقات مختلف جامعه ارتقا یابد و همه افراد جامعه در گستره‌ای فراگیر، از آگاهی بیشتری برخوردار گردند و این به معنای آموزش عمومی مستمر بود. آموزش عمومی که در عرصه فرهنگ، اصطلاحی ساخت‌یافته است، بیشتر تداعی‌کننده آموزش‌های مدرسه‌ای است، ولی این نوع آموزش‌ها همواره دوره‌ای محدود دارند و پس از ورود فرد به جامعه، به‌طور معمول دوام ندارند؛ در حالی که جریان روشنگری نیازمند استمرار آموزش و آگاهی‌بخشی بود. دانشنامه‌ها به‌عنوان نهادی در عرض مدرسه که بتواند این استمرار در آموزش عمومی را تأمین کند، توانستند چنین نقشی را برعهده گیرند. آنچه در عرصه غرب در جریان روشنگری عملاً اتفاق افتاد، پای گرفتن دانشنامه به‌معنای جدید آن و عملکرد جدی این امر فرهنگی به‌مثابه نهادی برای آموزش عمومی مستمر، تکمیل عملکرد مدرسه و کمک به ارتقای سطح آگاهی در طبقات مختلف جامعه است. در پژوهش حاضر، مسئله اصلی نقش دانشنامه‌ها در آموزش عمومی مستمر و عملکرد آنها در جریان روشنگری، به‌خصوص نزد ملت‌های پیشرو اروپاست و از نظر روش‌شناسی، این مطالعه از جنس تاریخ‌اندیشه و بهره‌جوینده از روش‌های این حوزه است.

کلیدواژه‌ها: روشنگری، آموزش عمومی، آموزش مستمر، تعلیم و تربیت، ادب، اصلاح دینی

*دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، a.pakatchi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

۱. مقدمه

در معرفی دانشنامه‌ها، همواره بر این نکته تأکید می‌شود که آنها نقش مهمی در ارتقای فرهنگ عمومی دارند؛ البته همان‌گونه که انتظار می‌رود دامنه این ارتقابخشی نسبت مستقیمی با دامنه مخاطبانی دارد که دانشنامه برای خود تعریف می‌کند. هر قدر دایره مخاطبان یک دانشنامه گسترده‌تر و به تعبیری آن دانشنامه عمومی‌تر باشد، بیشتر انتظار می‌رود در ارتقای فرهنگ عمومی طبقات مختلف جامعه اثرگذار و هر قدر دانشنامه روی به تخصصی‌شدن بگذارد، طیف محدودتری از جامعه را از این ارتقای دانش بهره‌مند می‌سازد. هر چه هست، دانشنامه رسانه‌ای برای انتقال دانایی و ارتقای فرهنگ جامعه است که می‌تواند در کنار مدارس و نظام‌های متعارف تعلیم و تربیت، نقش مؤثری داشته باشد.

مسئله اصلی در پژوهش حاضر آن است که نقش دانشنامه‌ها در آموزش عمومی چیست؟ و عملکرد آن چگونه است؟ و این نقش با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده است؟ نوع مطالعه، از جنس تاریخ اندیشه است و در روش‌شناسی، از روش‌های همین حوزه استفاده شده است.

۲. مفهوم دانشنامه و پیوند آن با آموزش عمومی

دانشنامه‌ها، هم از آن‌رو که در هدف‌گذاری آنها تصریح می‌شود، با فرآیند آموزش عمومی در ارتباط هستند و هم تاریخ حضور دانشنامه‌ها در عرصه تحولات فرهنگی غرب و شرق به‌خوبی گویای این ارتباط است. افزون‌بر آن، عنوانی که در زبان لاتین برای دانشنامه ساخته شده و در زبان‌های مختلف اروپایی رواج یافته است، با نهاد آموزش عمومی در یونان و رُم باستان پیوندی استوار دارد. در این بخش از پژوهش، ضمن مطالعه درباره پیوند میان دانشنامه‌ها و آموزش عمومی در غرب - اعم از عصر باستان و عصر نوین - مقایسه‌ای هم با جریان ادب و آموزش عمومی در جهان اسلام صورت خواهد گرفت. روشن‌شدن نسبت میان دانشنامه‌ها و آموزش عمومی، بستری برای پیشبرد بحث در ادامه پژوهش درباره نسبت دانشنامه‌ها با جریان روشنگری و شیوه مواجهه دانشنامه‌ها با پیکره دانش خواهد بود.

۱.۲ آموزش عمومی و پایداری در فرهنگ یونانی

دائرةالمعارف در مفهوم غربی خود، با موضوع آموزش و پرورش پیوندی تاریخی دارد. در یونان باستان از قرن نخست پیش از میلاد اصطلاحی برای آموزش مقدماتی شکل گرفته بود که ریشه مفهوم جدید دائرةالمعارف محسوب می‌شود. «انکوکلیوس پایداری»^[۱] به معنای «تعلیم و تربیت عمومی» از سوی دیونسیوس هالیکارناسی^[۲] و بعد پلوتارخوس^[۳] به کار رفت و مقصود از آن رشته‌ای از آموزش‌های عمومی بود که پیش از مطالعات تخصصی باید گذرانده می‌شد (Liddell; Scott, 1990, 474). اندیشمندان روم باستان نیز از سده نخست میلادی، این مفهوم یونانی را مورد توجه قرار دادند و از آن میان، کسانی چون پلینیوس^[۴] و کوئینتیلیانوس^[۵] به بسط آن مبحث پرداختند. آنان همان ساخت صفت و موصوفی یونانی را در لاتین، وام گرفتند و این آموزش عمومی را به تلفظ لاتینی «انکیکلیوس پائیدیا»^[۶] نامیدند (Pelinius, 1938, Preface; Quintilianus, 1980).

این مفهوم کهن، بار دیگر در سده نهم هجری شمسی / شانزدهم میلادی، هم‌زمان با برخاستن موج اصلاح دینی از سوی انسان‌گرایان^[۷] مورد توجه و بازخوانی قرار گرفت و صورت صفت و موصوفی آن که در متون کهن یونانی-لاتینی دیده می‌شد، به صورت یک تک‌واژه لاتینی، یعنی «انکیکلوپائیدیا»^[۸] صورت‌بندی شد. نخستین کاربرد این تعبیر، بر عنوان اثری به زبان لاتین از یوهانس آونتینوس^[۹] نقش بست که برگردان عنوان آن چنین است: «انکیکلوپائیدیا، انباشتی از آموزه‌ها که به هنرها و علوم مربوط می‌شود و از نمایه و تقسیمات مبتنی بر فلسفه آن برخوردار است»^[۱۰]. این دانشنامه در ۸۹۵ هـ.ش / ۱۵۱۷ م منتشر شد، یعنی دقیقاً همان سال که مارتین لوتر بیانیه پروتستان را آشکار ساخت.

انکیکلوپائیدیا یا دائرةالمعارف، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها با ساختار مشخص بود که انتظار می‌رفت هر آنچه را که در دایره تعلیم و تربیت موردنیاز است، در اختیار مخاطبان خود بگذارد. بر این پایه، با تحولات فرهنگی شکل‌گرفته در اروپا پس از باززایی^[۱۱] به‌خصوص با برخاستن موج اصلاح دینی و آموزش عمومی، ضرورت تدوین دائرةالمعارف احساس شده و دائرةالمعارف به معنای جدید آن، پدید آمد.

۲.۲ آموزش عمومی و ادب در فرهنگ ایرانی - اسلامی

در گذاری کوتاه بر پیشینه آموزش عمومی در جهان اسلام باید گفت، سابقه پایداری را باید در مفهوم «ادب» جست‌وجو کرد. در سده دوم هجری شمسی / هشتم میلادی که به خصوص تحت تأثیر فرهنگ ایرانی، جریان ادب در شرق جهان اسلام شکل گرفت و به تدریج به نقاط دیگر گسترش یافت، ادب مفهوم ناظر به آموزش عمومی بود. از همین رو به آموزش عمومی، تأدیب گفته می‌شد و افرادی که امر آموزش عمومی - به ویژه به کودکان - را برعهده داشتند، مؤدب خوانده می‌شدند. در همین راستا بود که در مفهوم، عالم و اهل ادب از هم جدا شد؛ عالم به کسی گفته می‌شد که در رشته‌ای معین تخصص داشت و اهل ادب به کسی گفته می‌شد که «از هر دانش، بهترین و چشمگیرترین بخش‌های آن را می‌آموخت» (آذرنوش، ۱۳۷۷) و اشتغال اصلی‌اش آموزش عمومی بود.

درواقع، از همین روست که ابن مقفع (حدود ۱۰۳-۱۳۸ ه.ش / ۱۰۶-۱۴۲ ق)، عالم نامدار ایرانی و یکی از بنیانگذاران جریان ادب در جهان اسلام، علم حساب و هندسه و اخترشناسی را به عنوان بخشی از علوم ادب - یعنی مواد آموزش عمومی - معرفی کرده است (ابن مقفع، ۱۳۵۷، ۳). نیز در همین راستا اخوان الصفا، در بحث از اقسام علوم، ریاضیات را در شمار فنون ادب برشمرده‌اند (رسائل اخوان الصفا، ۲۶۶-۲۶۷).

در اواخر قرن پنجم هجری شمسی / یازدهم میلادی، راغب اصفهانی (درگذشت ۴۸۷ ه.ش / ۵۰۲ ق) علوم ادب را بر ده قسم و سه گروه دانسته که کاملاً ناظر به آموزش عمومی است که برخی از این اقسام از مواد آموزش عمومی در ایران پیش از اسلام بوده است. موارد مورد نظر او عبارت‌اند از:

- علوم شهرجانیه، شامل (مقدمات) پزشکی، هندسه، اسب‌سواری؛
 - علوم انوشیروانیه: نواختن عود، بازی شطرنج، بازی چوگان؛
 - علوم عربیه: شعر، انساب، ایام الناس (تاریخ)، داستان‌های گزیده.
- (راغب اصفهانی، ۱۹۹۹م، ۱۹۲).

طی سده‌های میانه اسلامی، مفهوم ادب، به ادبیات به معنای امروزی آن نزدیک‌تر شد؛ تا آنجاکه ادب در معنای کهن خود کاملاً موضوعیت خود را از دست داد. در سده

نهم هجری شمسی / پانزدهم میلادی، شش قسمی که ابن حجه حموی (۱۴۵- ۲۱۵هـ/ش/۷۶۷-۸۳۷ م) عالم اندلسی برای ادب برمی‌شمرد، به واژگان، صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع محدود شد (ابن حجه حموی، ۱۹۸۷م، ۲۳). این نگرش که بر آثار قرون بعد سیطره یافت، شاخه‌های ادب را به حوزه ادبیات به معنای امروزی کاملاً محدود ساخت و مفهوم ادب را از آموزش عمومی به رشته‌ای تخصصی تبدیل کرد. در سده‌های بعد، با وجود آنکه آموزش عمومی در سنت جهان اسلام همواره دوام یافت و مفهوم دبستان و ادبستان برپایه ارتباط آن با ادب ساخته شد، ولی خودآگاهی تفصیلی نسبت به مفهوم ریشه‌ای ادب کمتر دیده می‌شد.

۳.۲ آموزش عمومی و اصلاح دینی در غرب

«اصلاح دینی»^[۱۲] یکی از مهم‌ترین جریان‌های فرهنگی در غرب پس از بازرایی محسوب می‌شود و بازه زمانی آن، فاصله ۸۹۵-۲۰۱۶هـ/ش / ۱۵۱۷-۱۶۴۸م را در برمی‌گیرد. ۸۹۵هـ/ش/۱۵۱۷م از آن رو به‌عنوان آغاز جریان اصلاح دینی شناخته می‌شود که در ۹ آبان / ۳۱ اکتبر آن سال، مارتین لوتر ۹۵ آموزه^[۱۳] خود را به‌سان بیانیه‌ای برای آلبرشت فُن براندن‌بورگ،^[۱۴] اسقف اعظم شهر ماینتس^[۱۵] فرستاد و اصلاح دینی مشهور به آیین پروتستان را برملا کرد. البته آشکار است که آغاز واقعی را باید به چندین سال پیشتر مربوط دانست که در طی آن، این تفکر شکل گرفته، رشد کرده و زمینه برملا شدن آن فراهم آمده است؛ سالهایی که می‌توان از آن با عنوان آستانه اصلاح دینی یاد کرد (Pusztai; Kozma, 2017).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اصلاح دینی، کوشش برای بالابردن سطح سواد عمومی و ایجاد نهادهای گسترده آموزش در سطح جامعه بود، ولی در این میان فیلسوفان و دانشمندانی چون رنه دکارت (۹۷۴-۱۰۲۸هـ/ش/۱۵۹۶-۱۶۵۰م) نیز بودند که پیشنهاددهنده الگوی آموزشی جدیدی بودند و درباره محتویات برنامه درسی نیز پیشنهاد روشنی داشتند. این اندیشه که گاه از آن با عنوان «اصلاح دکارتی» یاد شده، در سامان‌دهی به نظام آموزش عمومی در دوره موسوم به «اصلاح دینی» مؤثر بوده است (García, 2017, 46-67).

یکی از رخدادهای مهم در آستانه اصلاح دینی، ساخت مفهوم «انکیکلوپائیدیا» (دائرةالمعارف)^[۱۷] در فضای لاتینی‌زبان غرب و انتشار نخستین دانشنامه به زبان لاتین است که چنین عنوانی را بر خود حمل می‌کرده است (Robert, 1973, 570-571). نزدیک به یک نسل بعد و کمی پس از آشکارشدن اصلاح دینی در اروپا که ملازم با دورشدن از کاربرد لاتین و توجه به زبان‌های بومی اروپا نیز بوده است، شاهد شکل‌گیری صورت فرانسوی «آنسیکلوپدی»^[۱۸] و انتشار نخستین دائرةالمعارف به زبان فرانسه نیز هستیم. (Ibid)

می‌دانیم که آموزه محوری در جریان اصلاح دینی و آیین پروتستان، اهمیت دادن به ارتباط فرد فرد مسیحیان با سخن خداوند و ایجاد رابطه مستقیم میان هر مؤمن مسیحی با کتاب مقدس است و این رویکرد، هم‌زمان نتایجی مانند اهمیت دادن به زبان‌های بومی مانند آلمانی، فرانسه و انگلیسی، و فراهم آوردن امکان سواد برای عموم مردم را به همراه داشته است.

در آن بخش که اهمیت زبان‌های بومی مطرح می‌شد، گسترش حضور این زبان‌ها در عرصه تعلیم و تربیت از یکسو، و توسعه تألیف آثار و نشر آنها به این زبان‌ها - از ترجمه کتاب مقدس گرفته تا متون علمی - از سوی دیگر در جریان بوده است. در آن بخش که موضوع فراهم آوردن امکان سواد برای عموم مردم مطرح بوده، پدیده «آموزش عمومی»^[۱۹] در دستور کار جوامع پروتستان قرار گرفته بود. جوامعی که دنباله‌رو جریان اصلاح دینی بودند، در این مسیر حرکت کردند که همه افراد جامعه، باید در حدی از سواد برخوردار باشند که بتوانند به آسانی کتاب مقدس را به زبان بومی خود بخوانند و با آن ارتباط مستقیم برقرار کنند و لازمه این امر، ایجاد نظام گسترده آموزشی بود که هرگز در قرون وسطا سابقه نداشت. این موج آموزش عمومی که به تدریج در اروپا فراگیر شد، از دو جهت مرزهای اصلاح دینی را درنوردید؛ چراکه با گذشت چندین دهه از آغاز حرکت، این موج دیگر نه محدود به جوامع پروتستان باقی ماند و نه به سواد خواندن در حد قرائت کتاب مقدس خلاصه می‌شد. آموزش عمومی به تدریج به مجموعه‌ای از آموزش‌های لازم برای عموم مردم در حدی که آنان را برای یک زندگی

نقش دانشنامه‌ها در ارتقای فرهنگ عمومی... (احمد پاکتچی) / ۷۷

شهروندی آماده سازد، تعمیم یافت و تا اندازه‌ای دایره آن به جوامع کاتولیک و ارتدوکس نیز گسترش یافت.

در طی سده‌های نهم و دهم هجری شمسی / شانزدهم و هفدهم میلادی، همگام با پیشبرد آرمان‌های اصلاح دینی و در راستای توسعه مدارس برای آموزش عمومی، شاهد نوعی دیگر از آموزش عمومی در قالب دائرةالمعارف‌ها نیز بودیم؛ فهرستی از این دانشنامه‌ها از سوی دائرةالمعارف بریتانیکا (Encyclopædia Britannica, 1974, 267) و نیز در رساله دکتری هریس مککوی داده شده است (Harris-McCoy, 2008, 11-12).

۳. نسبت روشنگری با آموزش عمومی و دانشنامه‌نگاری

جریان روشنگری، مربوط به دوره‌ای از تاریخ اروپا و پس از اصلاح دینی است که دوره پایگیری مهم‌ترین بنیادهای اندیشه مدرن به شمار می‌آید و به همان اندازه دوره‌ای تعیین‌کننده در تحول تعلیم و تربیت و شکل‌گیری ساختارهای نوین آموزش عمومی نیز هست. عصر روشنگری را در فرانسه به‌طور دقیق در فاصله ۱۰۹۳-۱۱۶۷ ه.ش / ۱۷۱۵-۱۷۸۹ م، یعنی از آغاز پادشاهی لویی پانزدهم تا انقلاب فرانسه می‌دانند، ولی اگر مقصود فراتر از فرانسه باشد، به‌جای تاریخ‌های دقیق یاد شده، باید از قرن یازدهم هجری شمسی / هجدهم میلادی درباره کلیت آن سخن گفت. مفهوم روشنگری در میان ملل مختلف اروپا با نام‌های مختلفی خوانده می‌شود که مؤلفه محوری همه آنها «روشنی» است.^[۲۰] نسبت‌های میان مفهوم روشنگری و شکل‌گیری نظام آموزش عمومی به اندازه‌ای قوی است که در روسیه تزاری، در بدو شکل‌گیری وزارت‌خانه‌ای برای آموزش و پرورش، نام آن «وزارت روشنگری»^[۲۱] نهاده شد (Zhurnal ..., 1834).

۱.۳ اهداف روشنگری و دانشنامه‌ها

در میان فیلسوفان روشنگری، اندیشمندان بنیان‌گذار نظام آموزشی نیز بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به روسو و الوتیوس اشاره کرد.

ژان ژاک روسو (۱۰۹۰-۱۱۵۶ ه.ش/۱۷۱۲-۱۷۷۸ م) فیلسوف فرانسوی در آثارش به‌ویژه در کتاب «*امیل*»، به دنبال ارائه الگویی آموزشی بود که سه هدف را هم‌زمان برآورده سازد: آموزشی که فراتر از معارف دینی، به حوزه‌هایی از دانایی بپردازد که یک شهروند برای درک قراردادهای اجتماعی و قرارگرفتن در چارچوب زندگی شهروندی بدان نیازمند است؛ دوم آموزشی که هدف آماده‌سازی مردم برای زیستن به‌عنوان یک ملت در یک قلمرو کشوری را فراهم سازد و لازمه‌اش آن است که آموزش‌دهندگان از همان ملت و دارای درکی ژرف از نیازهای آن ملت باشند؛ و سوم آموزشی که به همه افراد ملت قابل‌گسترش باشد (Rousseau, 1762).

فیلسوف دیگر فرانسوی، «کلود آدرین الوتیوس»^[۲۳] (۱۰۹۳-۱۱۴۹ ه.ش/۱۷۱۵-۱۷۷۱ م) نیز در دو اثر خود با عنوان درباره ذهن: مقالاتی درباره ذهن و قوای گوناگون آن (۱۱۳۶ ه.ش/۱۷۵۸ م) و درباره انسان: رساله‌ای در باب انسان‌ها، قوای شناختی و آموزش آنها (۱۱۵۰ ه.ش/۱۷۷۲ م) در پی تبیین نقش تعلیم و تربیت در شکل‌دادن به افراد جامعه و مبدل‌ساختن آنها به مشارکت‌کنندگان در یک «تعامل اجتماعی خوب» بوده است (Horowitz, 1954, 106).

در طی عصر روشنگری، به همان اندازه و با همان اهدافی که آموزش عمومی در سطح مدارس دنبال می‌شد، موضوع دائرةالمعارف و کاربرد آن در مسیر آموزش عمومی نیز بسیار جدی بود. درحالی‌که دائرةالمعارف‌های فرانسوی مانند دیدرو-دالامبر تأثیر فراوانی از اندیشه‌های یادشده گرفته بودند، در دانشنامه‌های آلمانی، بیشتر اندیشه کسی چون ویلهلم فن هومبولت^[۲۴] (۱۱۴۵-۱۲۱۳ ه.ش/۱۷۶۷-۱۸۳۵ م) تجلی یافته بود.

در واقع برخلاف دیدرو و دالامبر که وظیفه خود در دائرةالمعارف‌نویسی را آموزش افراد برای مبدل‌شدن به شهروندان خوب می‌دانستند، در آلمان هدف آموزش نزد هومبولت، تربیت افراد جامعه برای عمل کردن به‌عنوان افرادی آزاد بود که البته درنهایت به تبدیل ایشان به شهروندانی بهتر منجر می‌شد، نه آنکه از آغاز آنان را برای شهروند بهتر بودن آموزش دهند. این اندیشه‌ای بود که در دانشنامه‌های آلمانی عصر روشنگری که وصف آنها خواهد آمد نیز دنبال می‌شد (Gentry, 1991, 101).

دیدگاه‌های هومبولت در این باره، یادآور آموزه نقیضه‌گونه مارتین لوتر در جریان اصلاح دینی نیز هست؛ به گفته اشلوس او انسان را نه کاملاً آزاد، بلکه همیشه دارای وابستگی‌هایی می‌دید؛ در عین حال نه کاملاً وابسته، بلکه همیشه آزاد (Schlu ß, 2016, 16). آموزش دوره روشنگری هدف دیگری را نیز دنبال می‌کرد و آن جداساختن آموزش از انحصار نهادهای دینی بود؛ اما در این باره نیز تفاوتی میان رویکرد فرانسوی و آلمانی دیده می‌شود. در حالی که در دائرةالمعارف دیدرو- دالامبر به‌عنوان یک پیش‌نمونه فرانسوی نوعی نگاه چالشی با نگرش دینی، به‌خصوص با آموزه‌های کاتولیک دیده می‌شود، در دانشنامه‌های آلمانی مانند قاموس محاوره «لوبل»، با وجود آنکه مقالات با لحن بی‌طرفانه و بدون جانبداری دینی نوشته شده‌اند، ولی مباحث دینی همواره به‌عنوان موضوع مطالعه موردتوجه قرار گرفته‌اند و حتی در مواقع غلبه اندیشه لوتری، به مفاهیم کاتولیک نیز کمابیش بی‌طرفانه پرداخته شده است (Gentry, 1991, 114). بر این پایه می‌توان گفت روی آوردن به رویکرد سکولار میان این دائرةالمعارف‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته است.

از دیگر ویژگی‌های مشترک میان آموزش عمومی عصر روشنگری و دائرةالمعارف‌های آن عصر، مخاطب قراردادن همه طبقات جامعه و کمک برای تقویت و استوارسازی هویت ملی در کشورهای اروپایی است.

۲.۳ آموزش عمومی، دائرةالمعارف و روشنگری فرانسه

شاید بتوان گفت بیشترین نسبت آشکار میان جریان روشنگری و دانشنامه‌نگاری، در فرانسه دیده می‌شود که به‌طور مشخص در دائرةالمعارف دیدرو و دالامبر نمود یافته است. دنیس دیدرو،^[۲۵] ژان دالامبر^[۲۶] و یارانی که به گرد آنان جمع شدند تا این مجموعه را تألیف کنند، در تاریخ به «اصحاب دائرةالمعارف»^[۲۷] شهرت یافته‌اند. آنان همگی از رجال روشنفکر فرانسه بودند و محصول کار ایشان به‌عنوان نماد روشنگری شناخته شده است؛ اثری که از مهم‌ترین زمینه‌سازهای فرهنگی برای انقلاب کبیر فرانسه (۱۱۶۷-۱۱۷۷هش/۱۷۸۹-۱۷۹۹م) بود.

این دانشنامه با عنوان کامل: *دائرةالمعارف یا قاموس خردبنیاد علوم، هنر و حرفه‌ها* در فاصله سال‌های ۱۱۲۹-۱۱۴۴ ه.ش / ۱۷۵۱-۱۷۶۶ م منتشر می‌شد.^[۲۸] چنان‌که دیدرو خود یادآور شده است، هدف این دانشنامه آن بود که شیوه تفکر مردم فرانسه را دگرگون کند و آنان را قادر سازد که آگاهی‌های موردنیاز را خود به دست آورند و امور لازم و مبتلا به را بدانند (Hunt, 2007, vol. 2, 611).

از میان سه هدفی که درخصوص آموزش عمومی به‌طورکلی و درخصوص دانشنامه‌ها به‌طورخاص، در عصر روشنگری دنبال می‌شد، هر سه در این *دائرةالمعارف* به‌وضوح قابل پی‌جویی است. به‌عنوان نخستین هدف، باید از آموزش غیردینی یاد کرد که در دانشنامه دیدرو- دالامبر به نهایت خود رسیده است. مؤلفان این اثر اصرار داشتند آموزش عمومی را از انحصار معلمان یسوعی^[۲۹] خارج سازند و ساختاری غیردینی بدان دهند؛ و این واقعیتی است که در سراسر دانشنامه به‌وضوح موج می‌زند. هدف دیگر، ارائه آموزش برای همه طبقات جامعه بود و در این راستا نیز دیدرو و دالامبر چنین آرزویی را در سر داشتند که اثر آنان بتواند همه دانش‌جهانیان را در میان عموم مردم انتشار دهد و حتی به نسل‌های بعدی برساند (Kramnick, 1995, 17). درخصوص هدف سوم که تقویت و استوارسازی احساس ملی در فرانسه بود، استفاده از زبان فرانسه در کنار انبوهی از مفاهیم و اعلام مربوط به تاریخ و فرهنگ فرانسوی در مجموع اثر، می‌توانست به‌خوبی تأمین‌کننده این نیاز باشد.

دایره عام مخاطبان در کار دیدرو و دالامبر آنگاه بهتر درک می‌شود که آن را با اثر رقیب، یعنی *دائرةالمعارف روش‌مند*^[۳۰] که در طی سال‌های ۱۱۶۰-۱۲۱۰ ه.ش / ۱۷۸۲-۱۸۳۲ م از سوی «شارل پنکوک»^[۳۱] و همکارانش منتشر می‌شد و صورتی بسط‌یافته از دانشنامه دیدرو- دالامبر بود، مقایسه شود. در این اثر، ساختار الفبایی به ساختار موضوعی تبدیل شد و عنوان مفصل آن *دائرةالمعارف روش‌مند یا مرتب‌شده بر پایه موضوعات برای جامعه اهل ادبیان، دانشمندان و هنرمندان*^[۳۲]، تفاوت آن را با اثر دیدرو- دالامبر از نظر ارزش آموزش عمومی و دایره مخاطبان آشکار می‌ساخت.

چندین دهه بعد، آنگاه که نوبت به انتشار دانشنامه لاروس رسید، «پیر لاروس»^[۳۳] نام اثر خود را *فرهنگ بزرگ جهانی*^[۳۴] نهاد و در مقدمه‌ای که به سال

۱۲۴۳ ه‍.ش/۱۸۶۵ م بر آن نوشت، بر هدف آموزش عمومی و ارائه دانش جهانی در مجموعه‌ای مدون به طبقات مختلف جامعه تأکید ورزید (Larousse, 1865, Preface).

۳.۳ آموزش عمومی، دانشنامه و روشنگری در آلمان

مهم‌ترین نقطه آغاز برای دانشنامه‌های روشنگری در فضای آلمان، قاموس هوبنر بود؛ اثری که با وجود آنکه عنوان دائرةالمعارف را حمل نمی‌کرد و به‌سادگی قاموس خوانده می‌شد، دائرةالمعارفی تمام‌عیار و همسو با اهداف روشنگری بود. این اثر در اوایل سده یازدهم هجری شمسی / هجدهم میلادی انتشار یافت و ویراست چهارم آن که تاریخ ثبت شده دارد، مربوط به ۱۰۸۷ ه‍.ش/۱۷۰۹ م است. نویسندگان کتاب گروهی گمنام از مؤلفان روشنگری بودند و یوهان هوبنر^[۳۵] که قاموس به نام او شهرت یافته، فقط بر آن مقدمه نوشته است (Gentry, 1991, 100). این قاموس در قرن یازدهم هجری شمسی / هجدهم میلادی بیست و هفت ویراست داشت و ویراست چهارم آن که پیشتر اشاره شد، حدود بیست‌هزار مدخل را در خود گنجانده بود. عنوان کامل این اثر قاموس *واقعیات*، *کشور*، *نشریات* و *محاوره*^[۳۶] است، ولی به‌طورمختصر با نام «قاموس محاوره»^[۳۷] شناخته می‌شد و در واقع شکل‌دهنده به این مفهوم در فضای فرهنگی آلمان بود.

به موازات قاموس هوبنر، دانشنامه‌های دیگری نیز در فضای آلمانی‌زبان در اواخر سده یازدهم هجری شمسی / هجدهم و اوایل سده دوازدهم هجری شمسی / نوزدهم میلادی انتشار یافت که به اندازه آن شهرت نیافتند، ولی در بحث حاضر از زاویه نسبت میان دانشنامه‌ها و آموزش عمومی پراهمیت هستند. این دانشنامه‌ها، عنوان مشترک «قاموس استفاده عمومی» را بر خود داشتند و به‌وضوح هدف از تدوین آنها، تأمین نیاز عامه مردم از طبقات مختلف جامعه به اطلاعات بود. این دانشنامه‌ها عبارت‌اند از:

دانشنامه‌ای به ویراستاری «یوهان فردیناند روت»^[۳۸] با عنوان *قاموس استفاده عمومی برای خوانندگان از همه طبقات*: یک دست‌نامه یا کتاب یاری‌رسان برای کسانی که به نظر می‌رسد همه آنچه را که در خواندن یا محاوره با آن مواجه می‌شوند، درک نمی‌کنند و می‌خوانند تا یاد بگیرند، اعم از اطلاعات عمومی، واژگان دخیل، برساخت‌های هنری و مانند آن.^[۳۹] ویراست نخست این اثر در یک جلد در ۱۱۶۶ ه‍.ش/۱۷۸۸ م و ویراست

گسترش یافته آن در دو جلد در ۱۲۱۱ هـ/ش ۱۸۳۳ م منتشر شده است (Gentry, 1991, 100-101).

دانشنامه‌ای با عنوان فرهنگ استفاده عمومی درباره روشنگری و آلمانی‌کردن تعبیر بیگانه وارد شده به زندگی عمومی: کتاب یاری‌رسان روزمره برای افسران، تاجران، کتاب‌فروشان، هنرمندان، صاحبان صنایع دستی و صاحبان دیگر اشتغالات از همه طبقات جامعه براساس طرح فرهنگ پرنخوآهان روت،^[۴۰] (Jenaische, 1804, 417-418). به ویراستاری یوخاریوس اورتل^[۴۱] که بر پایه دانشنامه پیشین اثر روت نوشته شده است، این دانشنامه در دو جلد در ۱۱۸۲ هـ/ش ۱۸۰۴ م انتشار یافته است (Gentry, 1991, 101). اورتل در مقدمه چاپ چهارم این دانشنامه، به تکرار بر اهمیت استفاده عمومی در هدف‌گذاری خود تأکید کرده است (Oertel, 1830, IV).

دانشنامه‌ای به ویراستاری «فریدریش آگوست هینش»^[۴۲] با عنوان قاموس دستی / استفاده عمومی برای همه موقعیت‌ها.^[۴۳] این دانشنامه در سه جلد در فاصله ۱۱۸۵-۱۱۸۶ هـ/ش ۱۸۰۷-۱۸۰۸ م انتشار یافته است (Paul, 1992, XXXIII; Gentry, 1991, 101).

قاموس محاوره اثری با مؤلفان مختلف و ویراستاری لوبل و فرانکه نقطه اوج این روند و ادامه‌ای به‌خصوص برای قاموس هوبنر، است که پایانی مهم بر دانشنامه‌نگاری آلمان در عصر روشنگری به‌شمار می‌رود. این قاموس که به تدریج و با مشکلات فراوان جلد به جلد تهیه می‌شد، نهایتاً در شش مجلد در فاصله سال‌های ۱۱۷۴-۱۱۸۶ هـ/ش ۱۷۹۶-۱۸۰۸ م انتشار یافت. بنا به تحلیل جنتری، قاموس محاوره لوبل یکی از مهم‌ترین محصولات برآمده از روح روشنگری آلمان بود (Gentry, 1991, 99) و صورت آرمانی آموزش، در مقیاس گسترده در آن نمود می‌یافت (Gentry, 1991, 101). این قاموس، هدف آسان‌سازی و بهینه‌سازی مکالمات روزمره و نیز فراهم‌آوردن آگاهی کافی برای خوانش دقیق مطبوعات را دنبال می‌کرد (Gentry, 1991, 102).

در اوایل سده دوازدهم هجری شمسی / نوزدهم میلادی، بروکهاوس این قاموس را خرید و شش جلد آن را با دو جلد دیگر تکمیل کرد؛ وی در فاصله سال‌های ۱۱۸۷-۱۱۸۹ هـ/ش ۱۸۰۹-۱۸۱۱ م، این اثر تکمیلی را با همان عنوان قاموس محاوره منتشر ساخت و عنوان بلند فرهنگ محاوره یا یک فرهنگ دستی کوتاه برای مصاحبت

اجتماعی درباره امور پیشاینده از علوم و هنرها با ملاحظه مستمر رخدادهای زمان قدیم و جدید^[۴۴] را بر آن نهاد. در ویراست‌های بعدی این اثر که تغییرات اعمال شده اساسی بود، به سادگی نام *دائرةالمعارف بروکهاوس* بر آن نهاده شد.

از سده دوازدهم هجری شمسی / نوزدهم میلادی، اصطلاح «قاموس محاوره» در فضای آلمان، در تقابل با اصطلاح «قاموس حقایق» (قاموس رئال) معنای تازه‌ای پیدا کرد؛ درحالی که بسیاری از واژه‌نامه‌ها به سادگی هر دو اصطلاح را بدون هیچ تفاوتی به معنای *دائرةالمعارف* گرفته‌اند (مثلاً Clark, 1978, 190, 252)، برخی منابع به تفاوت میان آنها توجه نشان داده‌اند؛ از جمله *دائرةالمعارف بروکهاوس*، ضمن آن که «قاموس حقایق» را به معنای «فرهنگ چیزها»^[۴۵] و *دائرةالمعارف* به کار برده، «قاموس محاوره» را دانشنامه‌ای دانسته که برای مخاطب عام است و با اسلوبی نوشته می‌شود که برای عموم قابل فهم باشد (Brockhaus, 1966). کلارک نیز در فرهنگ آلمانی به انگلیسی خود، اشاره دارد که «قاموس حقایق» به معنای دانشنامه تخصصی است (Clark, 2017).

۴.۳ آموزش عمومی، دانشنامه و روشنگری در بریتانیا

در بریتانیا نیز جریان روشنگری و گسترش آموزش عمومی با دانشنامه‌نگاری پیوندی استوار دارد. در این راستا نخست باید از *دائرةالمعارف چمبرز* تألیف «افرائیم چمبرز» یاد کرد که در دو جلد برای بار نخست در ۱۱۰۶ هـ ش / ۱۷۲۸ م منتشر شد. نام کامل این اثر *دائرةالمعارف یا فرهنگ جهانی برای هنرها و علوم* بود. در ادامه عنوان، بر روی جلد کتاب نیز چنین توصیفی نگاشته شده بود: «مشمول بر تعریف‌ها از مدلول‌هایی که در هنرها - اعم از لیبرال و مکانیکی - و در علوم مختلف اعم از انسانی و الهی از آن سخن می‌رود و درباره چهره‌ها، گونه‌ها، ویژگی‌ها، تولیدات، آماده‌سازی و کاربردهای چیزهای طبیعی و مصنوعی، درباره برآمدن، پیشرفت و وضعیت امور اعم از کلیسایی، شهروندی، نظامی و تجاری، همراه با (معرفی) نظام‌های گوناگون، فرقه‌ها و دیدگاه‌ها در میان فیلسوفان، الهی‌دانان، ریاضی‌دانان، فیزیک‌دانان، گردآورندگان اشیای عتیقه، نقادان و دیگران و هر آنچه که به‌عنوان یک دوره آموزشی باستان یا معاصر بدان عنایتی باشد».^[۴۶] (Chambers, 1728, titlepage).

دائرةالمعارف دیدرو و دالامبر از چمبرز الهام گرفته بود و اقدام بعدی در فضای بریتانیا تدوین دانشنامه‌ای بود که نه تنها کار چمبرز را بهبود بخشید، بلکه از نقدهای وارد بر دیدرو نیز به دور باشد و آن *دائرةالمعارف بریتانیکا* بود. ناشران نخستین چاپ این اثر، کالین مک‌فارکر و اندرو بل^[۴۷] دو تن از رجال روشنگری در اسکاتلند بودند و روی جلد، «انجمنی از جنتلمن‌های اسکاتلند»^[۴۸] به‌عنوان مؤلف معرفی شده‌اند. ویراست اول این اثر که دانشنامه‌ای عمومی برای انگلیسی‌زبانان بود در فاصله ۱۱۴۶-۱۱۴۹ هجری / ۱۷۶۸-۱۷۷۱ م در سه جلد منتشر شد.

در توضیح محتوای این دانشنامه، بر روی جلد ویراست اول چنین آمده بود: «دائرةالمعارف یا فرهنگ هنرها و علوم، تدوین‌یافته بر پایه طرحی نو که در آن علوم و هنرهای مختلف در قالب مقاله‌های بلند یا نظام‌هایی ملخص شده‌اند و اصطلاحات فنون مختلف و غیر آن براساس ترتیب الفبایی که در آن واقع می‌شوند، توضیح داده شده‌اند»^[۴۹] (*Encyclopædia Britannica, 1871, Titlepage*).

در بریتانیا در اوایل سده دوازدهم هجری شمسی / نوزدهم میلادی نیز همین روند با اهداف مطرح در قرن گذشته ادامه یافت و آثاری پدید آمد که در عین رقابت با بریتانیکا، از حیث محوریت‌دادن به آموزش عمومی شاخص هستند؛ از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دائرةالمعارف ریز با نام کامل *دائرةالمعارف یا فرهنگ جهانی هنرها، علوم و ادبیات*^[۵۰] ویرایش «آبراهیم ریز»^[۵۱] سیاستمدار و اندیشمند ویلزی. ریز درباره اهداف تعلیمی خود در این دانشنامه، در مقدمه آن آورده است: «اگر کسی بخواهد دانش خود را فراتر از مرزهایی که چنین فرهنگی دارد، گسترش دهد، نیازمند آن است که به رساله‌های تخصصی هر فن رجوع کند. یک فرهنگ مقصودش ارائه «دانش ارتباطی»^[۵۲] به‌صورت آسان و سریع است» (Rees, 1819, VI). این تعبیر یادآور مفهوم «قاموس محاوره» در دانشنامه‌های آلمانی در عصر روشنگری است.

دائرةالمعارف ادینبور^[۵۳] با ویراستاری دیوید بروستر^[۵۴] دانشمند اسکاتلندی که در هجده جلد در فاصله سال‌های ۱۱۸۶-۱۲۰۸ هجری / ۱۸۰۸-۱۸۳۰ م انتشار یافته است. چنان‌که ویراستار در مقدمه ۱۲۰۸ هجری / ۱۸۳۰ م تصریح کرده است، انتظار مخاطبان آن

عصر از یک دانشنامه آن بود که همه‌چیز در آن توضیح داده شده باشد، ولی ویژگی این دانشنامه از نظر ویراستار، اصیل بودن و گزینشی بودن مقالات آن است. به گفته وی، فقط عناوینی در آن مدخل قرار گرفته‌اند که حمل‌کننده «دانایی واقعاً سودمند»^[۵۵] بوده باشند (The Edinburgh Encyclopedia, 1830, V). از آنجاکه ویراستار و نویسندگان اثر بیشتر گرایش علمی داشته‌اند، جنبه علمی بر اثر غلبه یافته و برخوردار از همین جنبه علمی، زمینه انتخاب مداخل نزد آنان بوده است.

۴. دانشنامه‌ها و واسازی پیکره دانش

یکی از ویژگی‌های مشترک میان دانشنامه‌ها که به‌طور معمول موضوعات را بر پایه حروف الفبا به بحث می‌گذارند، واسازی پیکره دانش، و دورشدن موضوعات مرتبط، از یکدیگر است. در فرایند الفبایی کردن، انسجام مباحث آن‌گونه که در کتاب‌های مربوط به هر علم طرح می‌شود، از دست می‌رود و این یکی از نقدهای همیشگی بر تألیفات دانشنامه‌ای بوده و هست. از آنجاکه در پژوهش حاضر نقش دانشنامه‌ها در ارتقای فرهنگ جامعه و افزایش دانایی آن در موضوعات مختلف مورد نظر است، پرداختن به این نقد اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

پیش از ورود به بحث باید یادآور شد در فرهنگ اسلامی، «ابن مقفع» (حدود ۱۰۳-۱۳۸ ه.ش / ۱۰۶-۱۴۲ ق) نیز هزار و اندی سال پیش به این موضوع توجه کرده است. او در موضعی از *الادب الکبیر*، متذکر می‌شود که اگر کسی به دنبال نوع خاصی از علم باشد- یعنی به دنبال تخصص باشد- باید هم اصول و هم فصول، یعنی هم ریشه‌های مباحث و هم بسط آنها را بداند. و سپس به نقد گروهی می‌پردازد که پی‌جوی بسط فصول علم‌اند، ولی از اصول و ریشه‌های آن مباحث بهره کافی ندارند (ابن مقفع، ۱۴۰۹، ۲۴۶). در این توضیح آشکار می‌شود که خواندن مباحثی که از ریشه خود بریده شده و ارتباط وثیقی با آن ندارد، برای کسی که بر آن ریشه‌ها آگاهی پیشین ندارد، یاری‌رسان در مسیر آگاهی نخواهد بود و آگاهی کاذب و بی‌ریشه پدید خواهد آورد. در بحث از دانشنامه‌های عصر روشنگری نیز نگرانی از آگاهی سطحی وجود دارد و ضرورت دستیابی به روشی برای انتقال آگاهی ژرف مورد نظر است.

۱.۴ ریشه در دو گونه تاریخی

در نگاهی به سابقه مسئله باید گفت فارغ از بحث ساختار، آنچه به‌عنوان محتوا در دانشنامه‌های امروزی دیده می‌شود، ریشه در دو ژانر تألیف در سده‌های پیشین دارد؛ ژانر نخست ناظر به آثاری فشرده و جامع در یک رشته از دانش با طبقه‌بندی سه‌لایب مطالب که در سنت لاتین «سوما»^[۵۶] نامیده می‌شد و از سده پنجم هجری شمسی / دوازدهم میلادی آغاز شده بود. اینها آثاری بودند که دانش را در حوزه‌ای معین جمع‌بندی می‌کردند و تاندازه‌ای به دست‌نامه‌های امروزی شباهت داشتند (Franklin-Brown, 2012, 61). از نمونه‌های مشهور آن، جامع کلامی^[۵۷] از «توماس آکویناس»^[۵۸] بود. (۶۰۳-۶۵۴ ه.ش / ۱۲۲۵-۱۲۷۶ م) بود.

در جهان اسلام، نه‌تنها چنین آثاری فراوان بودند و نمونه‌ای شاخص از آنها در *معنی اللیب عن کتب الاعاریب* در علم نحو از «ابن هشام انصاری» (درگذشت ۷۳۹ ه.ش / ۷۶۱ ق) دیده می‌شود، بلکه آثاری چون *المعارف* «ابن قتیبه» (درگذشت ۲۶۸ ه.ش / ۲۷۶ ق)، *دانشنامه علایی* «ابن سینا» (درگذشت ۴۰۴ ه.ش / ۴۱۶ ق) و *مفاتیح العلوم* «خوارزمی» (تألیف میان ۳۶۱-۳۶۵ ه.ش / ۳۷۲-۳۷۶ ق) نیز وجود داشتند که هدف آنها ارائه ملخصی سامان‌یافته و جامع از همه علوم - در تعریف آن گفتمان - بود و بسیار به معنای امروزی دانشنامه نزدیک می‌شدند، ولی همه این آثار ترتیب موضوعی و الفبایی نداشتند.

ژانر دیگر، ناظر به آثاری بود که مبنای آنها ترتیب الفبایی است و به شیوه‌ای همچون واژه‌نامه‌ها، اطلاعاتی را درباره زندگی‌نامه افراد، ویژگی مکان‌های جغرافیایی یا کاربرد اصطلاحات علمی ارائه می‌کردند. این‌گونه آثار در جهان اسلام با نام عمومی «قاموس» یا «معجم» و در غرب با نام عمومی «Lexicon» شناخته می‌شدند؛ تعبیری که در اصل برای واژه‌نامه‌ها کاربرد دارد.

در جهان اسلام، کتب رجالی (بیوگرافی) غالباً دارای ترتیب الفبایی و به سبک قاموس تألیف می‌شدند؛ این امر نه‌تنها درباره کتب مربوط به رجال حدیث و شعر و ادب و دیگر رشته‌ها در سده‌های پیشین صادق است، بلکه درباره کتب معاصر و در شرح‌حال‌ها نیز مصداق دارد؛ از آن جمله می‌توان به *قاموس الاعلام* «شمس‌الدین

سامی» به ترکی (چاپ ۱۲۶۷-۱۲۷۷ ه‍.ش / ۱۳۰۶-۱۳۱۶ ق)، «الاعلام» خیرالدین زرکلی» به عربی (چاپ اول ۱۳۰۵ ه‍.ش / ۱۳۴۵ ق) و بخش اعلام از فرهنگ فارسی «معین» (چاپ اول ۱۳۵۱ ه‍.ش / ۱۹۷۲ م) اشاره کرد. فراتر از شرح حال، آثاری چون معجم البلدان «یاقوت حموی» (درگذشت ۶۰۸ ه‍.ش / ۶۲۶ ق) در زمینه اعلام جغرافیایی نیز وجود داشتند. در زمینه اصطلاحات هم نمونه‌ها فراوان بود و از کتب کهن‌تر مانند التعریفات «میر سید شریف جرجانی» (درگذشت ۷۹۲ ه‍.ش / ۸۱۶ ق) تا کتب متأخر مانند کشف اصطلاحات الفنون «محمدعلی تهانوی» (درگذشت ۱۱۲۴ ه‍.ش / ۱۱۵۸ ق) به همین ترتیب الفبایی نوشته شده‌اند.

ترتیب الفبایی برای عالمان مسلمان به اندازه‌ای جذابیت یافته بود که حتی در برخی از آثار به ارائه احادیث به ترتیب الفبایی اول حدیث مبادرت کردند تا یافتن آنها آسان گردد. از این دست آثار درباره احادیث نبوی می‌توان به الجامع الصغیر «جلال‌الدین سیوطی» (درگذشت ۸۸۴ ه‍.ش / ۹۱۱ ق) و کنوز الدقائق «زین‌الدین مئاوی» (درگذشت ۱۰۰۱ ه‍.ش / ۱۰۳۱ ق) و درباره احادیث امام علی (ع)، به غرر الحکم «ناصرالدین آمدی» (نیمه دوم قرن پنجم هجری شمسی / نیمه اول قرن ششم قمری) اشاره کرد.

۲.۴ نقد وارد بر آثار عصر روشنگری

دانشنامه‌نگاری به شکل جدید خود در غرب از سده یازدهم هجری شمسی / هجدهم میلادی آغاز شد و دامنه آن تا سده سیزدهم هجری شمسی / بیستم میلادی به جهان اسلام رسید. این نکته حائز اهمیت است که دانشنامه‌های جدید، میراث‌بر هر دو ژانر یادشده بودند؛ بدین معنا که هم قصد داشتند یک حوزه یا چندین حوزه از دانش یا همه حوزه‌های دانش را به‌طور فشرده و سهل‌یاب پوشش دهند و از این‌حیث شبیه کتب جامع (سوما) بودند، و هم غالباً ترتیب الفبایی داشتند که همچون قاموس‌ها، ذیل هر مدخل توضیحاتی درباره آن ارائه می‌کردند. این منشأ دوگانه تا امروز زمینه چالشی جدی در حوزه دانشنامه‌نگاری است.

مهم‌ترین جنبه چالش، به تجزیه مطالب علمی در ساختار دائرةالمعارف بازمی‌گردد. مطالب علوم مختلف در جایگاه اصلی خود در متون هر علم، رابطه‌ای اندام‌وار^[۵۹] با

یکدیگر دارند و از آنجاکه در کتب جامع (سوما) مطالب به ترتیب موضوع بیان می‌شدند و ساختار مضمونی بر آنها حاکم بود، محفوظ مانده‌اند. در این آثار، مطالب با وجود تلخیص فراوان، دست‌کم دچار تقطیع نمی‌گشت و محتوای مطالب در یک پیوستار فهمیده می‌شد؛ ولی زمانی که مطالب همچون واژه‌نامه‌ها به صورت قطعه‌ای مستقل بریده می‌شوند و هرکدام ذیل جایگاه الفبایی خود قرار می‌گیرند، خطر از هم‌گسیختگی محتوا و از دست رفتن رابطه اندام‌وار میان مضامین مطرح می‌شود. در واقع به هر میزان که مقالات ذیل هر مدخل کوچک‌تر می‌شوند، این خطر گسیختگی و از دست رفتن اندام‌وارگی مضامین افزایش می‌یابد.

به‌طور مشخص دائرةالمعارف دیدرو و دالامبر^[۶۰] منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۱۲۹-۱۱۴۴ ه‍.ش/۱۷۵۱-۱۷۶۶م با وجود آنکه بسیار موردستایش قرار گرفته و تأثیر فراوانی بر آثار دانشنامه‌ای پس از خود نهاده است (مثلاً Larousse, 1865, Preface) از این نظر با نقدهایی روبه‌روست. دیدرو و دالامبر در طراحی ساختار اثر، به این نکته توجه داشتند که باید نظام طبقه‌بندی علوم بر آن حاکم باشد. ساختار پیشنهادی آنان که در قالب نموداری پیشاپیش مداخل نمایش داده شده، از طبقه‌بندی سه‌گانه فرانسویس بیکن (۹۳۹-۱۰۰۴ ه‍.ش / ۱۵۶۱-۱۶۲۶م) فیلسوف انگلیسی الهام گرفته است (Bacon, 1901, 85). آنان دانش بشری را به سه شاخه اصلی تقسیم کرده‌اند که عبارت است از: دانش مبتنی بر حافظه یا تاریخ، دانش مبتنی بر استدلال یا فلسفه، و دانش مبتنی بر تخیل یا بوطیقا و تا چند مرحله این سه شاخه را به‌طورریز طبقه‌بندی کرده‌اند (Diderot; d'Alembert, 1751, LIII)، اما این طبقه‌بندی حتی اگر بر کلیت اثر حاکم بوده باشد، در عمل توزیع مطالب، به اندازه‌ای تقطیع شده است که نسبت‌سنجی مداخل با طبقه‌بندی یادشده ناممکن می‌شود. این دائرةالمعارف شامل هجده هزار صفحه مطلب و ۴۴ هزار مدخل اصلی است و معنای این آمار آن است که هر مدخل به‌طورمتوسط ۴۱٪ از صفحه را اشغال کرده است (Encyclopédie ..., 2013). به‌هرروی مهم‌ترین نقد واردشده بر ساختار دائرةالمعارف دیدرو و دالامبر، همین تقطیع حداکثری است، به‌گونه‌ای که ناقدان معتقدند به انسجام مطالب لطمه زده و رابطه اندام‌وار دانش را گسسته است (Encyclopædia Britannica, 1974, 267).

در فضای فرانسه، مهم‌ترین رقیب این اثر، دائرةالمعارف روشمندی که پنکوک و همکاران آن را منتشر کردند، بود و پیشتر از آن سخن گفته شد. این دانشنامه که به دانشنامه نظام‌مند^[۶۱] نیز شهرت دارد، ویژگی‌اش چنان‌که در عنوان آن نیز بازتاب یافته، مرتب‌شدن براساس موضوعات بود. این اثر که ناشران به متکی بودنش بر کار دیدرو و دالامبر اقرار داشتند، در عین آن که به محتوای کار پیشین، بسط قابل‌ملاحظه‌ای داده بود، مهم‌ترین تمایزش در مقام رقابت، ترک ترتیب الفبایی و راه‌جست به ترتیب موضوعی بود که نتیجه آن، پیشگیری از تقطیع موضوعات و حفظ انسجام موضوعی مطالب در هر علم بود (Encyclopédie méthodique, 1782, Title page; Encyclopædia Britannica, 1974, 260).

۳.۴ راهکار بریتانیایی و آلمانی برای مسئله

دائرةالمعارف بریتانیکا در نخستین ویراست خود که توسط کالین مک‌فارکر و اندرو بل^[۶۲] در فاصله ۱۱۴۶-۱۱۴۹ ه.ش / ۱۷۶۸-۱۷۷۱ م منتشر شد، به‌عنوان گامی به جلو روشی کاملاً متفاوت با دیدرو و دالامبر را در پیش گرفت تا ساختار اندام‌وار علم آسیب‌نبرد و پیوستار مضمونی محتوا محفوظ بماند. راهکار بریتانیکا این بود که مقالات بلند و پرحجم باشد و تقطیع به حداقل برسد. این دائرةالمعارف که در سه جلد بزرگ تنظیم شده بود، فقط ۴۵ مقاله اصلی داشت که براساس شاخه‌های علوم انتخاب شده بودند و ۳۰ مقاله تکمیلی نیز بدان افزوده شده بود (Encyclopædia Britannica, 1974, 267). با نگاهی آماری می‌توان دید که حجم هر مقاله به‌طور متوسط حدود ۶۰ صفحه - یعنی در حد یک کتابچه - بود. این دائرةالمعارف در عمل تا حد بسیاری رویه جامع‌نگاری - یعنی تألیف‌هایی از ژانر سوما - در سده‌های پیشین را حفظ کرده بود؛ جز آنکه عناوین شاخه‌ها به ترتیب الفبا مرتب شده بودند. می‌توان گفت در ویرایش نخست دائرةالمعارف بریتانیکا جنبه فرهنگ‌نگاری (قاموسی) بسیار ضعیف، و جنبه جامع‌نگاری بسیار قوی ظاهر شده بود.

البته باید گفت بریتانیکا در ویراست‌های بعدی به‌حد قابل‌ملاحظه‌ای از این رویه فاصله گرفت و با کوتاه‌کردن مقالات و توزیع گسترش‌یافته موضوعات در حروف الفبا،

از فاصله‌ای که نسبت به دائرةالمعارف دیدرو و دالامبر گرفته بود، کاست. با این حال، برخورداری از مقالات بلند در لابه‌لای حجم وسیعی از مقالات کوتاه، به خصوص درباره شاخه‌های اصلی علوم و فنون، یا موضوعات کلیدی آنها همواره در سنت بریتانیکا باقی ماند. این دائرةالمعارف در ویراست‌های بعدی، در کنار حجم گسترده‌ای از مقالات خرد، برخی مقالات کلان در حد یک کتابچه را در خود جای داده است.

از رقیبان بریتانیکا باید بار دیگر به *دائرةالمعارف ریز* اشاره کرد که دارای مقالات بلند بسیار بود؛ در این دانشنامه، ۵۰۰ مقاله وجود داشت که حجم آنها بیشتر از ۱۵ ستون بود و بلندترین آنها مقاله «کانال»^[۶۳] مشتمل بر ۲۸۹ ستون بود. همچنین جان لندسین^[۶۴] چهار مقاله درباره مکاتب حکاکی اروپا نوشته بود که حجم آنها بالغ بر ۸۰۰ ستون می‌شد (Rees, 1819).

فرا تر از اینها باید از *دائرةالمعارف متروپولیتانا*^[۶۵] نشر یافته در فاصله سال‌های ۱۱۹۵-۱۲۲۳ ه.ش/۱۸۱۷-۱۸۴۵ م در ۳۰ جلد یاد کرد که ویراستاری آن را «ساموئل کالریج»^[۶۶] فیلسوف و ادیب انگلیسی بر عهده داشت. هدف اصلی این اثر، ارائه اطلاعات علمی و نظام‌مند در هر موضوع، در زنجیره توالی طبیعی آن بود. کالریج در مقدمه اثر، ضمن توضیح روش کار، بر روابط میان انگاره‌ها تأکید کرده و یادآور شده است در این دانشنامه، اشیا به‌خودی‌خود به بحث گذاشته نمی‌شوند، بلکه همواره در ارتباط با چیزی مطرح می‌گردند که می‌تواند ارتباط با چیزهای دیگر، یا ارتباط با مشاهده‌کننده و فاعل شناسا باشد (Encyclopædia Metropolitana, 1852, Preface).

بر همین پایه، نام کامل اثر روی جلد چنین آمده است: *دائرةالمعارف متروپولیتانا یا نظام دانش جهانی بر پایه طرحی روش‌مند پیشنهادشده از سوی ساموئل تیلر کالریج*.^[۶۷]

این دانشنامه که بخش عظیمی از آن، موضوعی و غیرالفبایی بود، از چهار بخش اصلی تشکیل می‌شد؛ بخش اول علوم محض در دو جلد، بخش دوم علوم مختلط و کاربردی در شش جلد، بخش سوم تاریخ و شرح احوال در پنج جلد و بخش چهارم اطلاعات گوناگون و فرهنگ واژگان در سیزده جلد. فقط بخش اخیر این دانشنامه از ترتیب الفبایی برخوردار بوده است.

در فضای دانشنامه‌نگاری آلمان، در سنت «قاموس محاوره» که نمونه‌های بارز آن قاموس هوبنر و قاموس لوبل بود و نیز در سنت «قاموس استفاده عمومی» که شاخص آن قاموس روت بود، از شیوه ارجاع، برای حفظ پیوستگی مطالب استفاده می‌شد. به‌عنوان نمونه در مقاله «الکتریسیته» از قاموس لوبل به مدخل «بنجامین فرانکلین»^[۶۸] ارجاع شده است؛ هرچند در عمل کمتر به نقش او در اختراع برق‌گیر توجه شده و بیشتر به جنبه‌های روشنگری و نقش سیاسی-اجتماعی او پرداخته شده است. چنین می‌نماید که در مجموع چنین تلقی‌ای وجود داشت که مباحث علمی هنوز در موقعیتی نبوده‌اند که در فضای گسترده محاورات چندان مطرح باشند (Gentry, 1991, 109).

در هر صورت این نیاز به‌طور روزافزون در جامعه احساس می‌شده و نقش اطلاعات علمی در ارتباطات جمعی روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شده است؛ از همین روی در نخستین ویراست بروکهاوس از فرهنگ محاوره به این شیوه بیشتر پرداخته شده است. به‌هر روی دایرةالمعارف آلمانی بروکهاوس که عملاً ادامه و تکمیل فرهنگ محاوره از دوبنر بود، به سبب پیشینه‌اش در فرهنگ محاوره بیش از آن که ادامه ژانر جامع‌نگاری باشد، ادامه ژانر فرهنگ‌نگاری بود.

بروکهاوس از زمانی که عنوان دایرةالمعارف را بر مجموعه نهاد و بند آن را از پیشینه قاموس محاوره گسست، بیشتر به موضوع انسجام علمی اطلاعات و استفاده از شیوه ارجاع توجه کرد. چنانکه در ویراست‌های بعدی دایرةالمعارف بروکهاوس دیده می‌شود، این دانشنامه برای حل مسئله و برون‌رفت از بحران تقطیع علوم و پرهیز از آسیب‌زدن به پیوستار اندام‌وار مضامین، همچنان مسیری کاملاً متفاوت با بریتانیکا را در پیش گرفت و راه‌حل را در گسترش فراوان ارجاعات جست‌وجو کرد. بروکهاوس موضوعات دانایی را به‌طور نظام‌مند به شماری عنوان کلی تقسیم می‌کرد و ذیل هر عنوان از سویی توضیحی فشرده از مطالب ارائه می‌داد و از سوی دیگر آن را با ارجاعات به زیرشاخه‌ها متصل می‌کرد (Encyclopædia Britannica, 1974, 268). گویی مانند بسیاری از مقولات اندیشه، در این زمینه نیز راه‌حل قاره‌ای با راه‌حل آنگلوساکسون متفاوت بود.

۵. نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت دانشنامه‌ها هم‌زمان با تحولات اجتماعی و فرهنگی پس از رنسانس، با آغاز دوره اصلاح دینی پای گرفتند و در عصر روشنگری روی به اوج نهادند. دانشنامه‌ها در این دو دوره نقش مهمی در گسترش دانایی در طبقات مختلف جامعه ایفا کردند و در کنار نظام مدارس، به‌عنوان ساختاری مکمل، به ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه اهتمام داشتند. ارتقای ارتباطات اجتماعی از نظر بنیان علمی گفت‌وگوها در همه سطوح جامعه، کمک به گسترش آگاهی علمی نزد مردم و یاری رساندن به خودآگاهی ملی، از اهداف تدوین دانشنامه‌ها در عصر روشنگری بود. دانشنامه‌ها با توزیع مضامین علمی در قالب مقالات - کوتاه یا بلند - و قراردادن آنها در ترتیب الفبایی، به افراد جامعه این امکان را می‌دادند که به‌هنگام مواجه شدن با موضوعی نادانسته در خلال محاورات و به‌هنگام خواندن مطبوعات یا در هر موقعیت اجتماعی دیگر، به توضیح مطلب و محتوای علمی مرتبط دسترسی داشته باشند، اما از آنجاکه این مقالات از بافت موضوعی خود در علوم خارج می‌شدند تا در ترتیب الفبایی جای گیرند، انسجام موضوعی مطالب، گسسته و ساختار علوم، و اساسی می‌شد. هم‌زمان با این که دانشنامه‌های عصر روشنگری خود را با چنین چالشی مواجه می‌دیدند، آنچه به‌طور مستمر بر حساسیت مسئله می‌افزود، پیشرفت دور از انتظار علوم و ورود بسیاری از مفاهیم و دستاوردهای علمی به زندگی روزمره مردم بود که در آگاهی‌دهی دایرةالمعارف‌ها، انسجام بیش‌ازپیش را اقتضا می‌کرد. در مقام پاسخ، برخی بازگرداندن دانشنامه‌ها به ترتیب موضوعی را دنبال کردند و برخی با تألیف مقالات بسیار بلند در حد تکننگاری، کوشش کردند از تقطیع پرهیز کنند و هر دو شیوه تا امروز دنباله‌روانی دارد، اما آنچه که به‌عنوان راهکار غالب می‌توان از آن سخن گفت و بیشتر محصول فضای قاره‌ای اروپاست، استفاده از طبقه‌بندی استوار برای علوم در شالوده و پشت صحنه دانشنامه، و بهره‌جستن از ارجاعات فراوان - اعم از درون مقاله و پایان مقاله - برای غلبه بر گسستگی موضوعات است که در ظاهر دانشنامه ظهور می‌یابد.

پی‌نوشت

- [1]. εγκυκλιος παιδεια (enkuklios paideia).
- [2]. Dionysius Halicarnassensis.
- [3]. Plutarchos (Plutarch).

- [4]. Gaius Plinius secundus.
- [5]. Marcus Fabius Quintilianus.
- [6]. encyclios pædeia.
- [7]. Humanists.
- [8]. Encyclopædia.
- [9]. Johannes Aventinus.
- [10]. Encyclopædia orbisque doctrinarum, hoc EST omnium atrium, scientiarum, ipsius philosophiæ index ac division.
- [11]. Renaissance.
- [12]. Reformation.
- [13]. 95 Theses.
- [14]. Albrecht von Brandenburg.
- [15]. Mainz.
- [16]. Cartesian Reformation.
- [17]. Encyclopaedia.
- [18]. Encyclopédie.
- [19]. Public education.
- [20]. Eng. enlightenment; Fr. Les Lumières; Ger. Aufklärung.
- [21]. Министерство просвещения (Ministerstvo prosveshcheniya).
- [22]. Jean-Jacques Rousseau.
- [23]. Claude Adrien Helvétius.
- [24]. Wilhelm von Humboldt.
- [25]. Denis Diderot.
- [26]. Jean le Rond d'Alembert.
- [27]. Les encyclopédistes.
- [28]. *Encyclopédie ou Dictionnaire raisonné des sciences, des arts et des métiers.*
- [29]. Jesuits.
- [30]. *Encyclopédie methodique.*
- [31]. Charles Joseph Panckoucke.
- [32]. *L'encyclopédie methodique ou par ordre de matières par une société de gens de lettres, de savants et d'artistes.*
- [33]. Pierre Larousse
- [34]. *Grand dictionnaire universel*
- [35]. Johann Hübner
- [36]. Reals-, Staats-, Zeitungs- und Conversations-Lexicon

- [37]. Konversationslexikon
- [38]. Johann Ferdinand Roth
- [39]. *Gemeinnütziges Lexikon für Leser aller Klassen: Ein Hand- und Hilfsbuch für diejenigen, welche sich über alles das, was ihnen beim Lesen oder bei der mündlichen Unterhaltung nicht ganz verständlich scheint, sowohl allgemeines Wissen als Fremswörter, Kunstausdrücke u.s.w. unterrichten wollen.*
- [40]. *Gemeinnütziges Wörterbuch zur Erklärung und Verdeutschung der im gemeinen Leben vorkommenden Fremden Ausdrücke: Ein tägliches Hülfbuch für Beamte, Kaufleute, Buchhändler, Künstler, Handwerker und Geschäftsmänner aus allen Classen, nach dem Plane des beliebten Rothischen Lexikons bearbeitet.*
- [41]. Eucharius Ferdinand Christian Oertel
- [42]. Friedrich August Hänsch
- [43]. *Gemeinnütziges Handwörterbuch für alle Stände.*
- [44]. *Conversations-Lexicon oder kurzgefaßtes Handwörterbuch für die in der gesellschaftlichen Unterhaltung aus den Wissenschaften und Künsten vorkommenden Gegenstände mit beständiger Rücksicht auf die Ereignisse der älteren und neueren Zeit.*
- [45]. Sachwörterbuch
- [46]. *Cyclopædia, or, an Universal Dictionary of Arts and Sciences: Containing the Definitions of the Terms, and Accounts of the Things Signify'd Thereby, in the Several Arts, both Liberal and Mechanical, and the Several Sciences, Human and Divine: the Figures, Kinds, Properties, Productions, Preparations, and Uses, of Things Natural and Artificial; the Rise, Progress, and State of Things Ecclesiastical, Civil, Military, and Commercial: with the Several Systems, Sects, Opinions, etc; among Philosophers, Divines, Mathematicians, Physicians, Antiquaries, Criticks, etc.: The Whole Intended as a Course of Ancient and Modern Learning.*
- [47]. Colin MacFarquhar & Andrew Bell
- [48]. A Society of Gentlemen in Scotland
- [49]. A dictionary of arts and sciences compiled upon a new plan, in which the different sciences and arts are digested into distinct treatises or systems and the various technical terms etc. are explained as they occur in the order of alphabet.
- [50]. *Cyclopædia or Universal Dictionary of Arts, Sciences and Literature.*
- [51]. Abraham Rees
- [52]. Communicating knowledge
- [53]. *Edinburgh Encyclopædia*
- [54]. David Brewster
- [55]. Really useful knowledge
- [56]. Summa
- [57]. Summa theologica

- [58]. Thomas Aquinas
- [59]. Organic
- [60]. Denis Diderot & Jean le Rond d'Alembert
- [61]. Systematic
- [62]. Colin MacFarquhar & Andrew Bell
- [63]. Canal
- [64]. John Landseen
- [65]. *Encyclopædia Metropolitana*
- [66]. Samuel Taylor Coleridge
- [67]. *Encyclopedia Metropolitana or System of Universal Knowledge on a Methodical Plan Projected by Samuel Taylor Coleridge.*
- [68]. Benjamin Franklin

کتاب‌نامه

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۷). «ادب». *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به سرپرستی محمدکاظم موسوی بجنوردی. ج ۷. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ابن مقفع، عبدالله (۱۳۵۷). *المنطق*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: انجمن شاهنشاهی فلسفه.
- ابن‌حجه حموی، ابوبکر بن علی (۱۹۸۷)، *خزائن الادب و غایة الارب*، به کوشش عصام شقیو. ج ۱. بیروت: دار و مکتبة الهلال.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م). *محاضرات الادباء*، به کوشش عمر الطباع، ج ۱. بیروت: دارالقلم.
- رسائل اخوان الصفا. بی‌تا. ج ۱. بیروت: دار صادر.
- “Encyclopédie ou Dictionnaire raisonné des sciences, des arts et des métiers, edited by Denis Diderot (1751-1780)”. In: *ZSR Library*, Nov. 7, 2013.
- Bacon, Francis (1901). *Advancement of Learning*, J. Devey (ed). New York: P.F. Collier & Son.
- Brockhaus Enzyklopädie* (1966). 17te auflage, vol 10, vol 15. Wiesbaden: Brockhaus.
- Chambers, E. (1728). *Cyclopaedia*, London: J. Knapton.
- Clark, J.M. (1978). *Collins Gem German-English/English-German Dictionary*, London/ Glasgow: Collins.
- Clark, Michael (2017). *Oxford German- English Dictionary*. New York: Oxford University Press, (Mobi version).
- Diderot, D.; d'Alembert, J.R. (1751). *Encyclopédie ou Dictionnaire raisonné des sciences, des arts et des métiers*, vol 1. Paris: Briaissou.
- Encyclopædia Britannica* (1974). Mortimer J. Adler (ed.), 15th ed.
- Encyclopædia Britannica*, (1871). Edinburgh: A. Bell & C. MacFarquhar.

- Encyclopædia Metropolitana* (1852). S.T. Coleridge (ed). London: John Joseph Griffin & Co.
- Encyclopédie méthodique*. vol. 1. Paris/ Liège: Panckoucke/ Plomteux, 1782.
- Franklin-Brown, Mary, (2012). *Reading the World: Encyclopedia Writing in Scholastic Age*, Chicago/ London: University of Chicago Press.
- García, Sergio (2017). "Descartes on Education: The Cartesian Reformation of the Seventeenth-Century Institutionalized Knowledge". *Society and Politics*, vol. 11, No. 1(21).
- Gentry, Francis G. (1991). "Rhenatus Gotthelf Löbel and the Conversationslexicon". In: *Was im den alten Büchern steht-Neue Interpretationen von der Aufklärung zur Moderne: Festschrift für Reinhold Grimm*, in Series: *Forschungen zur Literatur-und Kulturgeschichte*, Bd. 32, Frankfurt am Main/ New York: P. Lang.
- Harris-McCoy, Daniel (2008). *Varieties of encyclopedism in the early Roman Empire: Vitruvius, Pliny the Elder, Artemidorus*, (Ph.D thesis, University of Pennsylvania, at: <https://search.proquest.com/docview/304510158>, Retrieved Oct. 18, 2019.
- Horowitz, Irving L. (1954). *Claude Helvetius: Philosopher of Democracy and Enlightenment*. New York: Paine-Whitman Publ.
- Hunt, Lynn (2007). *The Making of the West, Peoples and Cultures: A Concise History*, vol 2. Boston: Bedford/ St. Martin's.
- Jenaische allgemeine Literatur-Zeitung, 30 Nov. 1804.
- Kramnick, Isaac (1995). "Encyclopédie". In: *The Portable Enlightenment Reader*, I. Kramnick (ed), Toronto: Penguin Books.
- Larousse, Pierre (1865). *Grand dictionnaire universel*, Paris: Larousse.
- Liddell, H.G.; R. Scott (1990). *A Greek- English Lexicon*, H.S. Jones & R. McKenzie (ed), Oxford: Oxford University Press.
- Oertel, E.F.C. (1830). *Gemeinnütziges Fremdwörterbuch zur Erklärung und Verdeutschung ...*, vol 1. Ansbach: W.G. Gassert.
- Paul, Hermann (1992). *Deutsches Wörterbuch*, Tübingen: Max Niemeyer.
- Pelinius secundus (Pliny) (1938). "Naturalis Historia (Natural History)", vol I, Books 1-2, in: Loeb Classical Library No. 330, Harvard University Press.
- Pusztai, Gabriella; Kozma, Tamás (eds.). (2017). *Protestant Identity and Community Learning*, Supplement 2 to: *Hungarian Educational Research Journal*, vol. 7.
- Quintilianus (1980). "Instituto oratoria (The Orator's Education)". vol I: Books 1-2, in: Loeb Classical Library, No. 124, Harvard University Press.
- Rees, Abraham (ed.) (1819). *The Cyclopædia or Universal Dictionary*, London: Longman.
- Robert, P. (1973). *Dictionnaire alphabétique & analogique de la langue française*, Paris: S.N.L.

نقش دانشنامه‌ها در ارتقای فرهنگ عمومی... (احمد پاکتچی) / ۹۷

Rousseau, Jean-Jacques (1762). *Émile ou de l'éducation*, La Haye: Jean Néaulme.

Schluß, Henning (2016). "Reformation und Bildung im Kontext von Befreiung", *Das Wort*, No. 1.

The Edinburgh Encyclopædia, (1830). D. Brewster (ed.), vol 1. Edinburgh: W. Blackwood.

Zhurnal Ministerstva Narodnogo Prosveshcheniya (Журнал Министерства Народного Просвещения, Часть 1, Санкт Петербург, 1834.